

در جواب انتقاد شخصی با امضای مجعول «مانی ایرانی»

آنچه در زیر می خوانید پاسخی در جواب شخصی است که به کتاب «تولد دیگر» آقای دکتر شفا ایراد هانی وارد دانسته بود.

درخواست دارم اول متن ایراد را در زیر بخوانید و سپس به پاسخ ها که در زیر آمده است برگردید.

با وظیفه ای که همواره به گردن گرفته ام و همانا آگاهی دادن درست به ایرانیان است بر آن شدم تا آقای دکتر شفا را در جریان بگذارم. پاسخ آقای دکتر شفا به شرح زیر است:

((دوست ارجمند آقای ح- ک

از اینکه متن چاپ شده نوشته مفصل آقای "مانی ایرانی" را برایم فرستاده اید تشکر می کنم. شاید اگر توصیه دوستانه شما نبود اصلا احتیاجی به پاسخگویی بدین نوشته نمی دیدم، زیرا فقط نقدی را شایان پاسخگویی میدانم که از غرض ورزی آشکار و ناسزا گویی و بد زبانی نشان نداشته باشد.

ولی تذکر شما را که خاموش ماندن در این مورد بخصوص می تواند احتمالا تردید هانی را در ذهن خوانندگان جوان کتاب من برانگیزد و از این راه به هدف اصلی نگارش این کتاب در امر روشنگری لطمه ای وارد آورد منطقی می دانم و بهمین جهت توضیحات زیر را در ارتباط با مسائل مطرح شده آقای "مانی" (که باتوجه به نوع این مسائل این نام را مستعار ایشان میدانم و نه نام واقعی شان که احتمال می دهم «موشه» یا «شیمون» یا «دانیل» یا چیز دیگری از همین قبیل باشد) برایتان فکس می کنم تا بهر نحوی که مقتضی بدانید آنرا به آگاهی خوانندگان علاقمند خودتان برسانید.

شجاع الدین شفا

آقای "مانی" مدعی شده است که چون منبع نوشته های نقل شده من از تورات در مورد راهزنی های داوود پیغمبر در کتاب «تولد دیگر» باب بیست و هفتم از کتاب اول پادشاهان در عهد عتیق ذکر شده است در حالیکه این کتاب ۲۵ (بیست و پنج) باب بیشتر ندارد، بنا براین میتوان نتیجه گیری کرد که آنچه نقل شده ساختگی است و اصلتی ندارد.

باید به خلاف اظهار نظر قاطع ایشان تاکید کنم که مطلب نقل شده به تمام و کمال صحت دارد، منتها منبع واقعی آن باب بیست و هفتم (۲۷) از کتاب اول سموئیل است و نه کتاب پادشاهان، و این اشتباه مسلما از خود من است. ولی برای اینکه آقای "مانی" نتواند باین بهانه منکر اصلت موضوع شود، ترجمه کلمه به کلمه بند یازدهم (۱۱) از باب بیست و هفتم (۲۷) کتاب اول سموئیل را عینا در اینجا نقل می کنم: «و داوود هیچ مرد و هیچ زنی را در آنجا زنده نگذاشت تا به شهر گات آورده شوند، زیرا با خود گفت: مبادا که اینان علیه ما گزارش دهند و بگویند: این است آنچه داوود با ما کرده است. بعد از آن نیز داوود در همه مدتی که در سرزمین فلسطینیان بود به همین ترتیب عمل کرد. و آکیش (پادشاه فلسطینیان) بهمین دلیل اعتماد خود را به داوود حفظ کرد، زیرا با خود گفت که این مرد واقعا خود را منفور قوم خودش اسرائیل کرده است، بنا بر این او را برای همیشه به خدمت خود نگاه خواهم داشت».

و در آنجا که آقای "مانی" در ارتباط با مطالب نقل شده در کتاب من در مورد همجنس بازی احتمالی همین داوود پیغمبر نیز بهمین ترتیب فریاد اعتراض برداشته است شاید این توضیح جالب باشد که خود من با آنکه تمامی عهد عتیق را برای نگارش کتاب تولدی دیگر خوانده بودم بدین موضوع توجهی نکرده بودم، و تنها وقتی متوجه آن شدم که در صفحه اول روزنامه معروف Herald Tribune (چاپ ۱۲ فوریه ۱۹۹۳) با

تیرتی پنج ستونی خواندم که خانم یائل دایان، دختر موشه دایان وزیر پیشین دفاع و قهرمان ملی بسیار سرشناس کشور اسرائیل که خودش نماینده پارلمان این کشور است، روز گذشته در نطق پر سرو صدائی در کنست (پارلمان) بند هائی از تورات را خوانده است که در آن داوود پادشاه و پیغمبر در لفافه به داشتن روابط عاشقانه با «یوناتان» پسر زیبای شاول نخستین پادشاه یهود، اعتراف کرده است، و خانم یائل از نمایندگان پارلمان خواسته است که خودشان در باره درجه تقدس این پیامبر و پادشاه داوری کنند.

برای اینکه خوانندگان ادعا نامه آقای "مانی" بهتر متوجه شوند که ترجمه ادعائی او از کتاب شمونیل در این مورد ترجمه دستکاری شده ای بیش نیست، این بار نیز ترجمه کلمه به کلمه بند بیست و شش (۲۶) از باب اول کتاب دوم شمونیل را عینا در اینجا نقل می کنم: «بخاطر تو، ای برادرم یوناتان، بسیار افسرده ام، زیرا که تو برایم بسیار عزیز بودی. عشق تو برای من دل انگیز تر از عشقی بود که به زنان می توان داشت» و توضیح میدهم که در هیچیک از ترجمه های معتبری که به زبان های انگلیسی و فرانسه و آلمانی و ایتالیائی و اسپانیائی از کتاب مقدس بچاپ رسیده در توصیف این رابطه کلمه محبت یا دوستی بکار نرفته، بلکه کلمه «عشق» (Love در انگلیسی، Amor, Amore, Amour در فرانسه و ایتالیائی و اسپانیائی، Liebe در آلمانی) بکار رفته است. کلمه «بسیار عزیز» نیز که ترجمه اصطلاح عبری «ناعم» است در خود زبان عبری خیلی بیشتر مفهوم Beloved انگلیسی و Cherie فرانسوی را دارد تا مفهوم Dear و Cher را.

در همین زمینه مسائل مذهبی، آقای "مانی" مدعی شده است که من برای کتاب عهد عتیق که خودش بیست و هشت هزار بند بیشتر ندارد مدعی وجود هشتاد هزار غلط شده ام. این انتقاد را با همین جار و جنجال، صاحب نظر یهودی دیگری که شاید هم از نزدیکان خود ایشان باشد چند سال پیش در هفته نامه ایرانشهر چاپ لس آنجلس مطرح کرده بود. آنروز توضیح داده بودم و امروز نیز توضیح می دهم که این مطلب اظهار نظر شخصی من نیست، بلکه از محقق سرشناسی بنام Gerald Messadie در کتاب او بنام «تاریخ عمومی خدا» نقل شده است، و تصور می کنم که اشاره او به کلیه کتاب های توحیدی سامی و نه تنها عهد عتیق بوده است.

در جای دیگر، آقای "مانی" مدعی شده است که من در کتاب تولدی دیگر پولس رسول را که همزمان با عیسی مسیح بوده است مقلد مانی دانسته ام که در قرن سوم مسیحی می زیسته است. چون در این مورد شماره صفحه مورد نظر مشخص نشده بود نتوانستم مطلب مربوط بدین موضوع را در این کتاب بیابم، ولی می توانم حتی بدون مراجعه به آن، به این عیبجوی محترم تذکر بدهم که رشته مربوط به مانی و مانویت اصولا رشته تخصصی من در تاریخ مذاهب است، و بهمین دلیل تا کنون فصل ها و صفحات متعددی از کتاب های من به همین مانی اختصاص داده شده اند، همچنانکه سخنرانی های متعدد به مناسبت های مختلف در مورد او ایراد کرده ام. کدام عقل سلیمی، در چنین شرایطی، می تواند تصور این را به خود راه دهد که من ندانم اگر پولس رسول در قرن اول مسیحی می زیسته است و «مانی ایرانی» واقعی نه تقلبی، در قرن سوم آن، طبعا اولی نمی توانسته است مقلد دومی باشد؟

در جای دیگری از این نقد آقای "مانی" جمله نقل شده در کتاب مرا از تورات که «خداوند به هاجر گفت اینک پسری خواهی زانید که نامش را اسماعیل خواهی گذاشت و او مانند "خری وحشی" خواهد بود» ترجمه تقلبی دانسته و خودش آنرا بصورت «مردی وحشی خواهد بود» اصلاح کرده است. به مترجم محترم تذکر می دهم که مطلب کتاب من دقیقا کلمه به کلمه مطلبی است که از ترجمه کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) به زبان فارسی توسط انجمن پخش کتاب مقدس در میان ملل، چاپ نیویورک سال ۱۹۰۴ (که در تمام قرن بیستم مورد مراجعه و استفاده کشور های فارسی زبان بوده و چندین بار تجدید چاپ شده است نقل شده است. این را هم اضافه می کنم که یهودی خوب بودن مستلزم دستکاری در متون مقدس یهود برای تعدیل آنها نیست بلکه مستلزم امانتداری در نقل ترجمه این متون است.

در همین راستا، آنچه در مود سوزانده شدن نسخه های معتبر قدیمی عهد عتیق و باز نویسی تورات در مدت ۴۰ (چهل) شبانه روز توسط عزرا کاهن اعظم یهود از قول من نوشته شده مطلقا اظهار نظر من نیست بلکه

نقل قولی است که توسط من شده است. اصل آنچه در کتاب تولدی دیگر (ص ۱۹۳) آمده چنین است: «بموجب روایتی از قرن اول میلادی، چون نسخه های قدیم و معتبر کتاب عهد عتیق در هنگام ویرانی معبد اورشلیم سوزانده شده بود و مدت ها هیچ نسخه دیگری از آن در دست نبود، تمام آن در مکاشفه ای از جانب یهوه به عزرا کاهن اعظم یهود که قبلا در ایران بسر می برد وحی شد و وی آنرا در مدت چهل روز و چهل شب به پنج کاتب یهودی دیکته کرد... و وقتی که از جانب خشایارشا به اورشلیم رفت آنرا به عنوان قانون اسرائیل به یهودیان ابلاغ کرد».

شاید تذکر این موضوع به نویسنده نامه بيمورد نباشد که بر اساس کتاب تحقیقی پر سرو صدائی که اخیرا توسط **Israel Filinkelstein** رئیس انستیتوی باستان شناسی دانشگاه تل آویو با عنوان «واقعیت های تورات» به زبان انگلیسی در آمریکا و بعدا به زبان عبری در خوداسرائیل منتشر شده، حتی این روایت نیز ساختگی است زیرا سراسر عهد عتیق در زمان یوشا پادشاه یهودا در سال ۶۲۲ پیش از میلاد مسیح توسط چند خاخام دربار او نوشته شده است و هیچ قسمتی از آن نه اصالت تاریخی دارد و نه اصالت مذهبی، و به هیچ یک از پیغمبرانی هم که بطور ساختگی در این مجموعه از آنها نام برده شده وحی نشده است. بد نیست به این کتاب پر سرو صداهم (عنوان انگلیسی آن **The Bible Unearthed**) مراجعه بفرمائید.

انتقاد های دیگری که در ارتباط با مسائل غیر مذهبی کتاب تولدی دیگر من بعمل آمده است نه اصلتی بیشتر از انتقاد های مربوط به مسائل مذهبی کتاب دارد، نه اعبار بیشتری.

یکی از این ایراد ها این است که من در مقدمه کتاب خودم کشور ایتالیا را یکی از پیشرفته ترین کشور های جهان حاضر دانسته ام ولی در جای دیگری از همین کتاب آنرا کشوری معرفی کرده ام که دولت های آن شهادت یا توانایی رویارویی با نفوذ سنگین کلیسا را نداشته اند. متذکر می شوم که اگر آنچه در باره پیشرفتگی کشور ایتالیا نوشته شده اظهار نظر شخصی من است ولی آنچه در انتقاد از دولت های این کشور نوشته شده نقل قول من از آقای **Claude Allegre** فیزیک دان معروف فرانسه و وزیر آموزش پیشین این کشور در کتابی است بنام «خدا در برابر دانش» و به این موضوع در صفحه ۴۲۶ کتاب تولدی دیگر دقیقا اشاره شده است، منتها آقای "مانی" به گمان اینکه به کشف تازه ای در ضد و نقیض گویی کتاب نائل شده است، توجه به این را ضروری ندانسته است.

مورد دیگر نا باوری آقای "مانی" در باره این مطلب تولدی دیگر است که تا کنون ۵۰ میلیارد نوع موجود زنده در روی زمین زیسته اند، و در این باره به جمع و تفریق های فاضلانه ای نیز پرداخته است. ولی با همه این جمع و تفریق ها میباید تصریح کنم که در نقل این رقم کمترین دخل و تصرف یا مبالغه ای صورت نگرفته است، بلکه عینا به همان صورتی نقل شده که در معتبر ترین نشریه اطلاعات عمومی کشور فرانسه بنام **quid** (که بطور سالانه هر بار در چند صد هزار تیراژ در پاریس بچاپ میرسد و مورد مراجعه مراکز علمی و خبری و مطبوعاتی و دانشگاهی خوداین کشور و دیگر کشور های فرانسه زبان قرار می گیرد منعکس شده است. ترجمه بخشی از فصل زیست شناسی این کتاب که عینا در کتاب من مورد نقل قرار گرفته چنین است: «تا کنون در حدود ۵۰ میلیارد نوع موجود زنده در روی کره زمین زیسته اند که دوران زیست هر کدام از آنها بطور متوسط ۴ میلیون سال بوده است. در حال حاضر فقط بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون نوع موجود زنده در روی زمین وجود دارند که بخش اعظم آنها را حشرات تشکیل می دهند و بیشتر از یک میلیون و ۸۰۰ هزار نوع از این انواع دقیقا توسط دانشمندان صورت برداری شده اند»

آقای "مانی" از اینکه در کتاب تولدی دیگر نوشته ام که کتابخانه شخصی من که در جریان انقلاب مصادره شد شامل چهارده هزار (۱۴،۰۰۰) کتاب بوده که بسیاری از آنها را خوانده و حاشیه نویسی شده بود تعجب کرده و در این باره مجددا دست به جمع و تفریق های فاضلانه دیگری زده است. با همه نا باوری این بار هم باید تاکید کنم که این کتابخانه واقعا چهارده هزار کتاب و حتی اندکی بیشتر از آن داشت و فهرستی از همه این کتاب ها نیز تهیه شده بود که احتمالا اکنون همراه خود آنها در اختیار مصادره کننده گان است. ولی شاید لازم به توضیح باشد که بخش های مهمی از این کتاب ها را کتاب های ادبی، نظم و نثر فارسی و خارجی و کتاب های تاریخ و جغرافیای فارسی و خارجی، رمان ها و داستان های فراوان فارسی و خارجی، کتاب های مذهبی، و دیکسیونر ها و دائره المعارف های مختلفی تشکیل میدادند که در ارتباط با برنامه بنیاد انتشار یک دائره

المعارف بزرگ فارسی توسط کتابخانه پهلوی بوسیله خود من از کشور های متعدد جهان گرد آوری شده بود و جمعا بیش از سی دانه المعارف را به زبان های مختلف شامل می شد که فی المثل یکی از آنها یعنی دانه المعارف بزرگ اسپانیایی به تنهانی ۱۲۰ (یکصد و بیست) جلد داشت. هیچکدام از این ها کتاب هانی نبودند که احتیاج به حاشیه نویسی داشته باشند، و منظور من نیز از تذکر اینکه تقریبا همه کتاب های کتابخانه را خوانده و حاشیه نویسی کرده بودم، خواندن و حاشیه نویسی کردن کتاب های شعرا، یا رمان های پلیسی یا دانه المعارف ها و فرهنگ ها و دیکسیونر های کتابخانه نبود، کتاب ها و مجلات تحقیقی آن بخصوص در ارتباط با رشته ایران شناسی بود و همین رشته از منابع بود که به گرد آوری ۳۰،۰۰۰ (سی هزار) سندی منجر شد که اکنون زمینه اصلی کار انتشار فرهنگنامه جهان ایران شناسی از جانب جامعه برونمرزی قرار گرفته است.

(توضیح: تصویر مجموعه این کتاب ها را در تار نمای <http://www.1400years.org/rocshafa2.asp> مشاهده کنید.

من از جانب خود اضافه می کنم وبه آگاهی آقای "مائی ایرانی" می رسانم که استفاده از کلمات نا شایست و واژه هانی که بیشتر به ناسزا شبیه هستند تا انتقاد اصولی شایسته نبوده و انتقاد کننده بزرگ نمی کند. محکوم کردن شخصیتی مثل آقای دکتر شفا که سال ها ممارست و تفحص کرده و کتابی مانند «تولد دیگر» را علاوه بر اینکه جنبه روشنگری دارد جزو آثار بسیار ارزشمند می باشد و در نظر بعضی از دانشمندان و نویسندگان حاضر به عنوان یک اثر تحقیقی شناخته شده مقام و منزلت شما را بالا نمی برد:

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد.

اینک قضاوت را به خوانندگان گرامی واگذار می کنیم تا معلوم شود شما که از روی هوا و هوس و شاید هم از بابت "مزد قلم" مطلب می نویسید درست می گویند یا آقای دکتر شفا که با آنهمه ممارست و تحقیق سالیان متمادی برای روشن شدن دروغ هزاره های پیشین دست بکاری زده اند که می شود آنرا اگر نه با شاه نامه بلکه با شاه بیت های شاعران و نویسندگان و محققین ایرانی مقایسه کرد.

در پایان از دانشمند ارجمند و فرهیخته، آقای دکتر شفا سپاسگزاری می کنم که مرا قرین منت فرموده و به استدعای من پاسخ مثبت دادند. با وجود اینکه همه روزه در کار تهیه و انتشار «فرهنگنامه جهان ایران شناسی» مشغول می باشند آن برنامه را به کناری نهاده و به ندای من پاسخ داده و برای تهیه این مطلب در روز سه شنبه ۱۱ ماه مه ۲۰۰۵ برابر با ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۴ تا پاسی از شب از راه دور مرتب در تماس بودند.

ح-ک

سه شنبه ۱۱ ماه مه ۲۰۰۵
برابر با ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۴

محقق یا دروغ گو؟؟؟

بخوانید و داوری کنید

دروغ گویی به نام «شجاع الدین شفا»

مطمنا بسیاری از شما نام شجاع الدین شفا را بارها شنیده اید. به نظر بسیاری والیته با توجه به سخنان خودش او فردی بسیار عالم و دانشمند است "والیته یکی از ۲۰۰۰ روشنفکر قرن بیستم". وقتی انسان برای اولین بار کتاب های او را میخواند ناخودآگاه لرزه ای تمامی اندامش را فرا میگیرد: که حقیقت کجا و ما کجا؟. وقتی کسی کتبش را مطالعه میکند که از سبک نویسندگیش بی خبر است کوچکترین احتمالی به مغزش خطور نمی کند که ممکن است این همه اعداد، ارقام، مستندات، مدارک و منابع همگی جعلیاتی در حدی غیرقابل باور باشد ولی دوستان من به شما قول میدهم که همین طور است؛ البته حق دارید که از من برای اثبات ادعای بنده از من دلیل بخواهید چرا که اهل تدبیر

بدون برهان چیزی قبول نمیکنند بنده از چند بعد کتاب **تولد ی دیگر** را که تقریباً از آخرین کتب آقای شفا است و تمامی عقایدش در آن متبلور شده است را مورد بررسی قرار میدهم: در ابتدا باید گفت آقای شفا بخشی از کتابش را به ناسخ و منسوخ های قرآن اختصاص داده است (البته با مغلطه های گوناگون) در حالی که ناسخ و منسوخ های همین کتاب به حدی است که انسان فکر میکند نویسنده به بیماری آلزایمر دچار بوده است (چرا که فراموش می کند چند صفحه پیش چه نوشته بود) ، چند نمونه برای مثال نقل می کنم:

کسانی ... ادعا کرده اند که نسخه ی اصلی تورات در حریق معبد سلیماندر زمان بخت النصر پادشاه بابل سوخته شده و تورات کنونی نسخه ای است که بعداً به جای آن نوشته شده است. در این مورد نیز گذشته از اینکه نسخه های تورات در سر زمین یهود نمی توانسته به این یک نسخه منحصر باشد که در آتش سوزی معبد از بین رفته است...

تولد ی دیگر، صفحه ی ۱۱۵

در اینجا معلوم شد که نسخه تورات منحصر به فرد نبوده و اگر کسانی ادعا کرده اند بیخود کرده اند؛ ولی گاهی شرایط ایجاب میکند که این نسخه منحصر به فرد باشد:

چون نسخه های معتبر و قدیمی اهل عتیق در هنگام ویرانی معبد اورشلیم سوزانده شده بود و هیچ نسخه ی دیگری از آن در دست نبود، تمام متن آن در مکاشفه ای از جانب یهوه به عزرا ، کاهن اعظم یهود، که قبلاً در ایران به سر میبرد، وحی شد.

تولد ی دیگر، صفحه ی ۱۹۳

او در جایی نقل کرده:

در کشوری مانند ایتالیا ... نفوذ سنگین کلیسا هر گونه نوآوری علمی را خفه کرده است و دولت های این کشور هیچ وقت شهامت یا توانایی رویارویی با این نفوذ را در خود نیافته اند.

تولد ی دیگر، صفحه ی ۲۲۶

در حالی که در همین کتاب فرموده اند:

همه این کشور ها در شرایطی یکسان به هزاره بی که از راه می رسد پا نمی گذارند. کشورهایی چون ژاپن و ایتالیا به صورت ممالکی کاملاً پیشرفته وارد این هزاره میشوند .

تولد ی دیگر، صفحه ی ۱۰

دوستان باور کنید از این گونه مطالب در نوشته های او بسیار زیاد است که بنده به همین چند مورد کفایت کرده ام. گذشته از این گویا آقای شفا قصد مزاح با خواننده ها را داشته اند، چرا که استاد میفرمایند:

اسطوره توراتی خلقت حوا از دنده آدم در پنج سوره قرآن مورد تایید قرار گرفته است: نساء، ۱۰، انعام ۱۸۶، روم ۲۱، زمر ۶۰ و شورا ۱۱

(تولد ی دیگر، صفحه ۲۲۱)

در حالی که سوره ی انعام فقط ۱۶۰ آیه دارد البته خود به خود این گمان در ذهن میرود که شاید اشتباهی چاپی رخ داده است، ولی جالب این است که اصلاً چنین آیه ای (یا حداقل شبیه به این) نه تنها در سوره انعام بلکه در تمامی قرآن وجود ندارد. یا نمونه ای دیگر:

در تورات آمده است که داوود زندگی اجتماعی خود را با راهزنی آغاز کرد... کتاب پادشاهان باب ۲۷

(تولد ی دیگر، صفحه ۱۲۶)

در حالی که کتاب اول و دوم پادشاهان فقط ۲۲ و ۲۷ باب دارد. درست حدس زدید منظور بنده این است که این فرد حتی یک با رهم این کتب را ورق نزده است.

ایشان در باب زیست شناسی نیز دستی و سبکی جدید دارند:

از نظر زیست شناسی تاکنون پنجاه میلیارد نوع موجود زنده در روی زمین ردیابی شده اند...

(تولد ی دیگر، صفحه ۲۸۴)

البته منظور آقای شفا این است که از سیصد سال پیش که زیست شناسی علمی مطرح شده است ، هر روز تقریباً ۴۵۸۰۰۰

نوع جاندار کشف شده است. در ضمن ایشان در صفحه ۴۴۰، ۲۵۴، ۳۵ و ۴۷۲ کتابشان تعداد غلط های موجود در کتاب مقدس را هشتاد هزار برشمرده اند در حالی که این مجموعه کمتر از چهل و پنج هزار سطر نوشته وجود دارد؛ حال خودتان قضاوت کنید.

از نظر تاریخی نیز گویا شفا با مشکل مواجه است چرا که "پولس رسول" را که در قرن یکم از دنیا رفته مقلد مانی میخواند که در قرن سوم میلادی میزیسته میدانند.

البته آقای شفا تقوایی غیر قابل انکار دارد و خود را بسیار مسنول و متعهد میدانند:

کتابخوانه ی شخصی من که در نخستین روزهای انقلاب مصادره شد، شامل ۱۴۰۰۰ کتاب فارسی و خارجی بوده که

تقریبا همه آنها را خوانده و حاشیه نویسی کرده بودم

تولد دیگر، صفحه ۵۰

حال اگر ما شفا را یک نابغه محسوب و فرض کنیم در هر روز یک کتاب را خوانده و حاشیه نویسی کند، با یک حساب ساده میفهمیم که ایشان فقط (حدوداً) ۲۰۰ سال از زندگانی هشتاد و چند ساله ی خود را به خواندن کتاب مشغول بوده اند (چطورش را خدا میداند).

دوستان این عالم به ظاهر خردگرا به حدی از دنیا بی خبر است که کتاب "اعمال رسولان" را از عهد عتیق دانسته و حتی نویسنده آن را "لوقا" خوانده در حالی که این کتاب مربوط به عهد جدید و نوشته ی "پتروس رسول" است. (ر.ج. تولدی دیگر، صفحه ۲۰۰) او در تغییر کتب و اضافه و کاستن از آنان هیچ هراسی به دل راه نمیداده:

محققان متعددی در تورات نشان هایی از این یافته اند که داوود پیغمبر همجنس باز بوده است، ... داوود پس از دریافت خبر مرگ ناگهانی "یوناتان" فرزند جوان و زیبا روی "شانول"

اولین پادشاه اسرائیل درسوگ او سروده و متن آن در کتاب دوم سموئیل باب اول آمده است:

ای برادر من یوناتان برای من بسیار نازنین بودی، زیرا محبت من و تو محبت دو برادر نبود، مردان با زنان بود. (تولد دیگر، صفحه ۱۲۵)

این فرد بی شرم با کمال وقاحت چنین اهانت بزرگی را پرپایه ی تخیلات و امیال باطنی خود مطرح میکند در حالی که این عبارت به این شکل است:

ای یوناتان، ... برای تو دلنتگ شده ام، محبت تو با من عجیب تر از محبت زنان بود.

(کتاب دوم سموئیل، باب اول، ۲۷-۲۶)

شفا علاوه بر اینکه در ترجمه کلمات تغییر ایجاد کرده جمله ای نیز به این عبارت افزوده است تا خواننده را کاملا اقتناع کند و جای هیچ شبهه ای باقی نگذارد. جالب این است که با این همه دروغ خود را نسبت به جوانان مسنول دانسته و این کتاب هدیه ای برای نوجوانان حقیقت جو میخواند. نمونه ای دیگر از این مسنول آگاه سازی:

خداوند به هاجر گفت اینک پسری خواهی زایید که نامش را اسماعیل خواهی نهاد و او مانند خری وحشی خواهد بود. (تولد دیگر، صفحه ۱۴۲)

عین عبارت از تورات:

فرشته خداوند وی را گفت اینک حامله هستی و پسری خواهی زایید و او را اسماعیل نهاد. زیرا خداوند تو را شنید و او مردی وحشی خواهد بود.

(تورات سفر پیدایش، باب شانزدهم ۱۲-۱۱)

البته شاید شما بگویید اگر این فرد به گفته های خود معتقد نیست پس چرا این کتاب را نوشته است؟ دو احتمال برای نوشتن

ان کتاب وجود دارد: اول اینکه یا آقای شفا با گرفتن حقوق از فرد یا افراد خاصی آن را نوشته است که این احتمال ضعیف است و اما احتمال دوم که قریب به یقین میباشد این است که چون شفا در زمان حکومت محمدرضا شاه پست معاون وزیر دربار را بر عهده داشت و با سرنگونی رژیم پست خود را از دست داده و به تعصبی کور دچار گشته که علاوه بر این حکومت اسلام نما (که خدا را بازیچه قرار داده) به دین اسلام که دستاویز این حکومت است نیز حمله برده است.

«اینک خود داوری کنید»

2 نوشته شده در دوشنبه پنجم اردیبهشت ۱۳۸۴ ساعت ۱۵:۳۶ توسط مانی ایرانی | ۲ نظر

iraneno2000@yahoo.com

<http://www.iraneno.blogfa.com>